

نشانه‌شناسی پیاده‌روی اربعین و شباهت‌های آن با حکومت مهدوی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱۸

سارا فلاحی^{۱*}

مهدی شاه ولی^۲

چکیده

پیاده‌روی اربعین به عنوان یکی از مهم‌ترین حرکت‌های سیاسی-مذهبی جهان، می‌تواند از منظرهای گوناگون مورد بررسی قرار گیرد. نوشتار حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به دنبال بررسی نشانه‌شناسی پیاده‌روی اربعین و رابطه آن با حکومت مهدوی است. از منظر این مقاله پیاده‌روی اربعین هم حامل نشانه‌ها و نمادهای ظاهری و هم نشانه‌ها و نمادهای مفهومی و معناگرایانه حکومت مهدوی است. در واقع پیاده‌روی اربعین می‌تواند نماد کوچک‌شده‌ای از جامعه مهدوی باشد که در آن مردم در تمام ابعاد، سعادت و کمال را در سایه رهبری معصوم (عج) حس می‌کنند و بخشی از اتوپیای وعده داده شده به صالحین در این اجتماع عظیم و تاریخی به منصف ظهور و عمل می‌رسند. با توجه به مدلول‌های مشترک دال‌های گفتمان مهدوی و گفتمان اربعین و نشانه‌شناسی این دو رویداد تاریخی، از نظریه نشانه‌شناسی «چارلز سندرس پیرس» به عنوان حامی نظری پژوهش استفاده می‌شود. با واکاوی نمادهای ظاهری و مفهومی اجتماع اربعین می‌توان گفت این اجتماع محکم و قابل تأملی با مؤلفه‌ها و نمادهای جامعه تحت حکومت حضرت مهدی (عج) دارد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که موکب‌های پذیرایی، جمعیت زائران و شمایل، رنگ‌ها و نمادهای مذهبی، نشانه‌ها و نمادهای ظاهری پیاده‌روی اربعین و حکومت مهدوی هستند و عبودیت محض، عدالت، استحکام ارزش‌های انسانی و پیوندهای اجتماعی، صلح و امنیت، سامان‌دهی اقتصادی و امت‌گرایی و وحدت نشانه‌های مفهومی و معناگرایانه این دو اجتماع بزرگ هستند.

واژگان کلیدی: گفتمان اربعین، حکومت مهدوی، نشانه‌شناسی، نمادهای مذهبی، مکتب تشیع.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

(نویسنده مسئول: arta_tirdad2000@yahoo.con)

مقاله پژوهشی

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

صفحه ۲۸۵-۳۱۰

(Mehdi.shahvali1992@yahoo.com)

مقدمه

برقراری حکومت مهدوی که مبتنی بر عدالت و آزادی خواهد بود به عنوان آرمان نهایی مکتب تشیع واجد پایه‌های فکری عقلانی و نقلی فراوان است. در قرآن کریم وعده تعلق گرفتن زمین به صالحین و مستضعفین «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، (انبیاء ۱۵۰/ و محو باطل و ظهور حق «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسرا/ ۸۱) داده شده است.

در تبیین شرایط حاکم بر جامعه مهدوی که تحت مدیریت حضرت مهدی (عج) خواهد بود به نشانگان این حکومت از قبیل عدالت، عبودیت، استحکام پیوندهای اجتماعی، شکوفایی ارزش‌های انسانی، امنیت، صلح فراگیر، سامان‌دهی اقتصادی، رشد عقل و گسترش دانش، کارگزاران متعهد اشاره شده است. با نگاهی به پیاده‌روی اربعین می‌توان به شباهت‌های قابل تأملی میان نشانگان ظاهری و مفهومی حکومت مهدوی و نشانگان حاکم بر پیاده‌روی اربعین رسید. در واقع این پژوهش به دنبال این است که با رمزگشایی از نشانگان حاکم بر اجتماع اربعین به عنوان یک جامعه مناسبتی که هر سال در اربعین امام سوم شیعیان در حدفاصل مرزهای غربی و جنوبی ایران تا کشور عراق تشکیل می‌شود به این سؤال مهم و اساسی پاسخ دهد که چه رابطه‌ای میان این جامعه عظیم و جامعه مهدوی که ذیل حکومت مهدوی شکل می‌گیرد وجود دارد؟ در پاسخ به سؤال مذکور این فرضیه محوری مطرح می‌شود که اجتماع اربعین به عنوان یک نظام گفتمانی نماد کوچک‌شده‌ای از جامعه مهدوی، حامل نشانه‌های ظاهری و مفهومی حکومت مهدوی است.

الف - پیشینه تحقیق

در رابطه با نشانه‌شناسی پیاده‌روی اربعین و حکومت مهدوی تاکنون مطالعه و تحقیق خاصی صورت نگرفته است اما در رابطه با پیاده‌روی اربعین از منظرهای مختلف مطالعات محدودی صورت گرفته است که به آن‌ها اشاره می‌شود:

- محسن/امین ورزلی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود با عنوان «پیاده‌روی اربعین به مثابه ارتباطات آیین شیعی»، به پیاده‌روی اربعین به عنوان یک آیین مذهبی و فرصت ویژه برای بازنمایی و برساخت شیعیان از وضعیت فرهنگی و اجتماعی خود می‌نگرد و تلاش می‌کند تا با تماس مستقیم با واقعیت در حال اجرا از طریق روش کیفی مردم‌نگاری، سه رکن اساسی ماهیت، ساختار و کارکردهای آیین

پیاده‌روی اربعین را با تفسیرهای مشارکت‌کنندگان اصلی‌اش یعنی زائران مطالعه نماید.

- ندا رضوی زاده (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق (مورد مطالعه: پیاده‌روی اربعین آذر ۱۳۹۳-عراق)» با اتکا به رویکرد کیفی و با تحلیل مصاحبه‌هایی که با ۳۶ زائر پیاده زن و مرد ایرانی در مسیر نجف به کربلا انجام شده، درصدد واکاوی ادراک و تفسیر این زائران از تجربه‌ی زیست خود از این سفر است. در این مطالعه پس از تحلیل داده‌های کیفی، سه مضمون اصلی تجربه تعلیق امر مادی؛ رنج مقدس؛ به مثابه مولد معنا؛ برانگیزانندگی عاطفی مناسب جمع‌ی زیارت‌شناسایی می‌شود.

- سعید شفیعا و محمدجواد درودیان (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم‌سازی درک معنویت در رویداد پیاده‌روی اربعین حسینی: بر اساس تجربه‌ی میدانی» با استفاده از تکنیک مصاحبه به جلوه‌های مختلف زیارت امام حسین (ع) از قبیل داشتن حس امنیت در عین ناامنی، مهمان‌نوازی‌های صادقانه، عشق داوطلبانه، ادراک مظلومیت و به حق بودن امام حسین (ع) و یارانش و ... می‌پردازد.

- کریستیا، دی‌کی‌سر و ناکس ۱ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با عنوان «پیمایش مذهب شیعه در عراق و ایران در مسیر کربلا» مهم‌ترین مطالعه خارجی در رابطه با پیاده‌روی اربعین را انجام داده‌اند. این مطالعه تحت نظر مؤسسه فناوری ماساچوست آمریکا که مسائل مهم جهانی را بررسی می‌کند و بیشتر بر روی مسائل و اتفاقات جدید و مهم جهانی تحقیق می‌کند انجام شده است. این مؤسسه چون پیاده‌روی اربعین را یکی از مهم‌ترین اتفاقات جدید دنیا می‌داند؛ لذا به چند تن از دانشگایان علوم سیاسی مأموریت می‌دهد که با حضور در بین زائران و توزیع پرسشنامه در بین زائران دو کشور ایران و عراق به کشف هویت سیاسی و اجتماعی شیعیان، سطح تفکر و دانش سیاسی شیعیان، میزان همکاری و همبستگی میان آنها، دلایل جامعه‌پذیری آنها و شناخت بیشتر از آنها بپردازند. برای انجام این تحقیق بین ۲۴۱۰ عراقی و ۱۶۶۸ ایرانی پرسشنامه توزیع شده است. البته سؤالاتی از قبیل دلایل اختلاف تسنن و تشیع، رابطه دین و سیاست، میزان رضایت از حکومت دینی، برنامه هسته‌ای ایران و ... پروژه مذکور را از حالت صرفاً علمی- پژوهشی خارج و اهداف سیاسی- امنیتی آن را برجسته می‌سازد.

ب- روش تحقیق

با توجه به این که تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت داده‌ها یک تحقیق کیفی است؛ لذا روش آزمون ادعای این پژوهش توصیفی-تحلیلی خواهد بود.

پ- مبانی نظری

با توجه به این که در این پژوهش به دنبال بررسی رابطه میان نشانگان پیاده‌روی اربعین و حکومت مهدوی هستیم لذا از نظریه نشانه‌شناسی چارلز پیرس^۱ به عنوان نظریه حامی پژوهش استفاده می‌کنیم. نشانه‌شناسی در کنار رویکردهای دیگری مانند تحلیل بلاغی، تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا یکی از روش‌های تحلیل متن است. این متن می‌تواند رشد فرهنگ توده‌ای، تحلیل طبقات اجتماعی، رابطه ساختار و کارگزار، سیر تطور گفتمانی، بازنمایی واقعیت و یا پیاده‌روی اربعین و حکومت مهدوی باشد. در واقع نشانه‌شناسی روشی است که می‌تواند از هر کدام از متون فوق رمزگشایی کند و به تبیین و تحلیل آن‌ها مبادرت نماید.

با واژه نشانه از یونان باستان، زمانی که در یونان آن را مترادف با نمایه یا عارضه به کار می‌بردند آشنا هستیم. از این تاریخ به بعد، ردپای این واژه را البته در معنایی وسیع‌تر در متافیزیک نوافلاطونی و مسیحی و به‌ویژه در آثار آگوستین قدیس^۲، توماس هابز^۳، جان لاک^۴، لایبنیتز^۵، برکلی^۶، هیوم^۷، لامبرت^۸، ادموند هوسرل^۹، پیرس و ... می‌یابیم (تاجیک، ۱۳۸۹: ۱۱).

نشانه‌شناسی به بررسی فرایند پیدایش نشانه‌ها، نحوه دلالت آن‌ها و کاربردهایشان تعریف می‌شود. نشانه پدیده‌ای است که در سایر حوزه‌های زندگی انسان یافت می‌شود لذا کاربرد آن تقریباً شامل تمام حیطه‌های فکری و اجتماعی انسان می‌شود لاقلاً درجایی که بحث دلالت، تفهیم و تفهیم چیزی مطرح باشد (رضوی فر و غفاری، ۱۳۹۰: ۶).

1 . Charles Sanders Peirce

2 . Saint Augustinus

3 . Thomas Hobbes

4 . John Locke

5 . Leibniz

6 . Berkeley

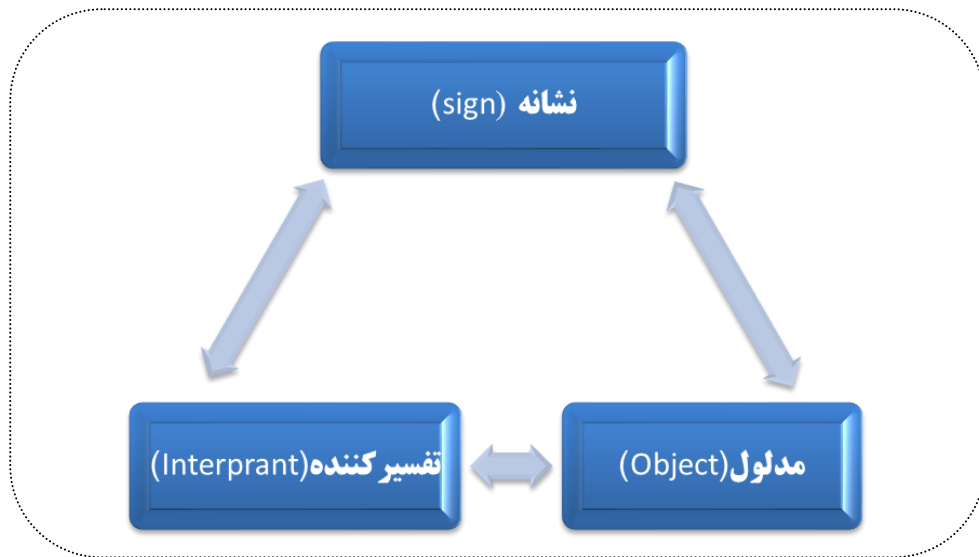
7 . Hume

8 . Lambert

9 . Edmund Husserl

۱- نشانه‌شناسی چارلز ساندرز پیرس

در الگوی نشانه‌شناسی پیرس نشانه دارای سه وجه است. در این الگو هر نشانه متشکل از خود نشانه، مدلول و تفسیرکننده است. در الگوی نشانه‌شناسی پیرس نشانه پدیده‌ای است عینی و ملموس که به شخص یا چیزی دلالت می‌کند. شی یا مدلول چیزی است که نشانه به ازای آن است. نشانه ذهنی یا تفسیرکننده همان چیزی است که به محض این که انسان با یک نشانه برخورد می‌کند در ذهن او ایجاد می‌شود. پیرس معتقد است که تفسیرکننده شخص نیست بلکه فکری است که در ذهن فرد ایجاد می‌شود. تفسیرکننده نوعی نتیجه است که می‌تواند به نوبه خود، نشانه واقع شود و بدین گونه می‌تواند زنجیره‌ای از نشانه‌های دیگر را به وجود آورد. البته برخی نیز معتقدند می‌توان تفسیرکننده را مترجم نامید (Savan, 1988: 41).



شکل ۱. ساختار نشانه

(منبع: نگارندگان)

طبق نظر پیرس، سه طبقه برای همه‌ی تجربه‌های انسانی لازم و کافی است. او به ترتیب این سه طبقه را اولیت، ثانویت و ثالثیت می‌نامد. اولیت مفهوم «بودنِ بودن» است که مستقل از هر چیز دیگری است؛ مانند قرمزی یا احساس غم و درد بدون آن‌که از علت آن سؤال شود. ثانویت نوعی بودن است که در ارتباط با چیز دیگری است. در ثانویت رابطه تأثیر و تأثر و علت و معلولی وجود دارد؛ مثلاً افتادن سیب از درخت در اثر قانون جاذبه زمین. ثالثیت سومین واسطه است که با قوانین اشیاء

سروکار دارد و از طریق آن بین اولیت و ثانویت ارتباط برقرار می‌شود. برای پیرس معنای هر اندیشه به وسیله ارتباط سه‌گانه شی، نشانه و تفسیرکننده تعیین می‌شود (Everaert, 2011).

نکته قابل توجه دیگر در نشانه‌شناسی پیرس این است که ممکن است نشانه‌ها از گروهی به گروه دیگر بروند؛ مثلاً دود آنجا که دلیل آتش است از نشانه‌های طبیعی، ولی جایی که نزد قبایل سرخپوست است و نشانه اعلام جنگ یا خطر است نشانه وضعی قلمداد می‌شود زیرا مسبوق به قرارداد و آموزش و نیز به قصد ایجاد ارتباط است (جواندل، ۱۳۸۸).

پیرس معتقد به تعامل بین نشانه، مدلول و تفسیرکننده است و این تعامل را «سمیوسیس»^۱ می‌نامد. بر اساس الگوی پیرسی از نشانه، چراغ قرمز راهنمایی که سر چهارراه گذاشته شده است، توقف خودروها ابژه یا موضوع آن است و این فکر که چراغ قرمز یعنی این‌که خودروها باید توقف کنند تفسیر آن است (Silverman, 1983: 15).

نشانه‌ها می‌توانند فرم‌های مختلفی داشته باشند. آن‌ها می‌توانند کلمات، اعداد، صداها، عکس‌ها، نقاشی‌ها و علائم جاده‌ای و ... باشند. با این حال، درحالی‌که علائم می‌توانند چیزهای زیادی باشند، پیرس آن‌ها را بر اساس ارتباط با مدلول به شمایل^۲، نمایه^۳ و نماد^۴ تقسیم‌بندی می‌کند (آلستون، ۱۳۸۱: ۱۳۷: ۱۳۸۱).

پیرس معتقد است همان‌گونه که بین عکس و صاحب آن شباهت وجود دارد در شمایل نیز بین نشانه و مدلولش یا بین صورت و مفهوم آن شباهت عینی و تقلیدی وجود دارد. در این نوع نشانه نیازی به تفسیرکننده نیست؛ مانند نقاشی از مار که بر خود مار دلالت دارد. از نظر پیرس نمایه نیز نشانه‌ای است که به مصداق وابسته است؛ به عبارت دیگر اگر مصداق یا مدلول نداشته باشد، نمایه نشانه محسوب نمی‌شود به بیان دیگر رابطه دال و مدلول ضروری است و باید بین آن‌ها یک رابطه علی و معلولی یا هم‌جواری و تماس وجود داشته باشد در این‌گونه دلالت نیز تفسیرکننده لازم نیست و رابطه دال و مدلول قراردادی نیست مانند دلالت دود بر آتش؛ اما نماد نشانه‌ای است که به تفسیرکننده نیاز دارد. در نماد رابطه دال و مدلول قراردادی و اختیاری است و ذاتی و خودبه‌خودی نیست؛ مانند نور قرمز در چهارراه که به معنای ممنوعیت عبور است. دلالت نشانه‌های وضعی

.....
1 . Semiosis
2 . Icon
3 . Index
4 . Symbol

می‌تواند در نزد اقوام و جماعت‌های مختلف متفاوت باشد (Peirce, 1998: 292-307).

در نشانه‌شناسی پیرس اندیشه‌ها هم نشانه هستند. اگر بخواهیم اندیشه‌ها را بفهمیم باید آن‌ها را تفسیر کنیم. نشانه‌ها زمانی به عنوان اندیشه دارای نقش است که تفسیر شود. آنچه از تجربه حاصل می‌شود فشارهای ناآگاهانه‌ای هستند که به تدریج به آگاهی می‌رسند و زمانی که با نشانه‌های دیگر ارتباط برقرار می‌کنند قابل درک می‌شوند. پیرس همه نشانه‌ها را وابسته به نشانه‌های دیگر می‌داند.

پیرس در پاسخ به این سؤال که چگونه نشانه‌ها به مرحله‌ای می‌رسند که به انسان چیزی را نشان می‌دهند؛ به عبارت دیگر نشانه‌ها چگونه از مرحله «نهفته و ناآگاه» به مرحله «دال بر چیزی بودن» و «برای انسان نشان‌دهنده چیزی بودن» می‌رسند اصطلاحی به نام ابداکسیون را ابداع می‌کند. این اصطلاح به معنای وابستگی منطقی نشانه‌ها به یکدیگر است (Peirce, 1968: 103-104).

پیرس همه عالم، تاروپود همه اندیشه‌ها و همه تحقیقات را محصور در نشانه می‌بیند و حیات انسان را حیات نشانه‌ها می‌داند. پیرس تا جایی در این باور خود پیش می‌رود که می‌گوید احتمالاً عالم از نشانه‌های مختلف تشکیل شده است (رضوی و غفاری فر، ۱۳۹۰: ۹).

چیزی که نگرش و رویکرد پیرس به نشانه‌شناسی را متفاوت می‌کند توجه او به برداشت و تصور ذهنی بیننده از نشانه است. پیرس ذهن بیننده را بخش مهمی از حقیقت نشانه می‌داند و معتقد است گاهی برداشت مخاطب پیش از هدف نشانه‌گذار، معنا می‌یابد و تفسیری که از عمل صورت می‌گیرد بار معنایی غالبی بر اثر دارد. به عبارت دیگر پیرس معتقد است ذهن دائماً در یک مثلث سه‌گانه بین (شیء، نشانه و تفسیر) در چرخش است.

در نظام نشانه‌شناسی، نشانه‌ها و رمزگان همه در دل یک جهان متنی قرار می‌گیرند و در همان جهان متنی خوانش می‌گردند. در متن می‌توان نشانه‌ها را به نسبت محوریت جانشینی و هم‌نشینی و همین‌طور ترکیب‌بندی در کنار یکدیگر خوانش کرد و متن در این حالت کلیتی است که از متون متعدد کوچک‌تر داخلی با رمزگان متعدد تشکیل شده است که مطابق با نظریه نشانه‌شناسی لایه‌ای آن را لایه متنی می‌خوانیم. این لایه‌ها بر هم تأثیر می‌گذارند و از تقابل و تعامل آن‌هاست که متن تشکیل می‌گردد. انسان با تکیه بر ویژگی خاص خود یعنی معنا ساز بودن در رویارویی با هر متن به دنبال ارتباط لایه‌های درون‌متنی همان بافت است تا از آن طریق ارتباط بین نشانه و به دنبال آن معنای متن را درک کند اما اگر نیابد به سراغ رمزگان‌های دیگری می‌رود تا خود، بافتی بسازد و متن را هدفمند کند (تقوی، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۵).

۲- چارچوب نظری

نگاهی به رفتارها، کنش‌ها، قواعد و رویکرد حاکم بر اجتماع بزرگ اربعین نشان می‌دهد که فکری که در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود دلالت بر یک رویداد مهم تاریخی دیگر به نام حکومت مهدوی دارد. در اربعین هر هویت حامل یک اطلاع و آگاهی است و تفسیرکننده‌ی خود را تعیین می‌کند. در اربعین اکثر نشانگانی که دیده می‌شوند؛ نشانگان وضعی هستند که شیعیان آن‌ها را برای حکومت مهدوی تعیین کرده‌اند. این تعیین‌کنندگی بر اساس قرآن و سنت نبوی و علوی صورت گرفته است. مثلاً هم کناری و اتحاد شیعیان در اجتماع اربعین فارغ از ملیت، نژاد و زبان، ذهن بیننده را به برابری و امت‌گرایی حاکم بر جامعه مهدوی می‌برد. اربعین زنجیره‌ای از نشانه‌های به هم پیوسته‌ای است که تا بی‌نهایت ادامه دارد.

با توجه به این‌که همه نشانه‌هایی که در اربعین در قالب مفاهیم، اندیشه و کنش ظاهر می‌شوند؛ در میان شیعیان بر اساس یک قرارداد تاریخی به یک مدینه و جامعه خاص حواله می‌دهند؛ لذا همه شیعیان به درک مشترکی از نشانه‌ها می‌رسند. علی‌رغم این‌که تفسیرکننده‌ها و اذهان، مختلف هستند اما چون بین دال و مدلول‌ها رابطه طبیعی و تصویری برقرار نیست و شیعیان در بین خود، این نشانه‌ها را وضع کرده‌اند؛ بنابراین همه اذهان با دیدن این نشانه‌ها به یک مقصد واحد می‌رسند هرچند ممکن است شیوه رسیدن به مقصد متفاوت باشد.

همان‌گونه که در نشانه‌شناسی پیرس آتش در میان برخی قبایل سرخپوست نماد خطر و جنگ است و برای همه قبایل این رابطه دال آتش و مدلول جنگ و خطر قابل فهم است؛ در اربعین هم تمام نشانگان مهر، دوستی، عدالت‌ورزی، آزادی‌خواهی، عبودیت، دیگرخواهی و ... نشانگان قابل فهمی هستند که شیعیان میان خود قرارداد کرده‌اند و معتقدند که همه آن‌ها در حد اعلی در حکومت مهدوی قابل مشاهده هستند. لذا اربعین به نماد جامعه مهدوی که تحت حکومت امام دوازدهم شیعیان است تبدیل می‌شود.

ت- رابطه کلی قیام امام حسین (ع) و قیام امام مهدی (عج)

امام حسین (ع) علیه انحراف موجود در حاکمیت و خلافت یزید قیام نمودند. یزید جامعه اسلامی را کاملاً از مبانی اسلام نبوی دور نموده بود. ابن جوزی می‌نویسد وقتی نمایندگان مردم مدینه از شام بازگشتند یزید را این‌گونه به مردم معرفی کردند: «از پیش مردی می‌آییم که دین ندارد، شراب‌خوار

است، تار می‌نوازد و با سگ، بازی می‌کند». عبدالله پسر حنظله غسل الملائکه صحابی معروف پیامبر نیز می‌گوید: «یزید مردی است که مادر و دختران و خواهران را با هم به عقد ازدواج خود درمی‌آورد، شراب می‌خورد و نماز را پشت گوش می‌اندازد» (محمدی، ۲۵۳۶: ۳۶-۳۷). در واقع با روی کار آمدن یزید، بعد از خلافت معاویه دومین باری بود که یک حرام، حلال می‌شد، زیرا پیامبر رسماً خلافت را بر آل ابوسفیان و همه‌ی آزادشدگان فتح مکه حرام کرده بود.

سلیمان بن صرد خزایی می‌گوید: «فساد در دستگاه یزید به قدری است که تمام مسلمین را غمگین، بلکه عزادار کرده چون یزید علناً شراب می‌نوشد و با فواحش به سر می‌برد و قمار می‌بازد و هر وقت که به شکار می‌رود تا این‌که خود را با صید جانوران سرگرم کند، مردم خوشوقت می‌شوند چون فکر می‌کنند که یزید خود را با چیزی سرگرم کرده که در دین اسلام حرام نیست» (فریشلر، ۱۳۵۵: ۷).

بنابراین امام حسین (ع) برای احیای دین پیامبر قیام نمودند؛ همچنان که حضرت مهدی (عج) نیز طبق روایات و احادیث نبوی و علوی زمانی قیام می‌کنند که حاکمیت در جوامع اسلامی آلوده به انحراف شده است و امام برای احیای سنت نبوی دست به قیام می‌زند. بنابراین می‌توان گفت بین فلسفه قیام امام حسین (ع) و قیام امام مهدی (عج) یک رابطه این‌همانی برقرار است. لذا تمام نمادهای ظاهری و مفهومی مربوط به یادمان و قیام امام حسین (ع) می‌تواند ذهن بیننده را به حکومت مهدوی ببرد. طبعاً پیاده‌روی اربعین به عنوان یکی از مهم‌ترین یادمان‌های قیام امام حسین (ع) حامل نشانگان ظاهری و مفهومی قیام و حکومت مهدوی است.

اگر نشانه یعنی آنچه ما را از خود آن موضوع فراتر می‌برد و به موضوع دیگری می‌رساند و هدایتگر ما به موضوعی جز خود آن است پس نماد و نشانه‌های اربعین هم بدین گونه هستند؛ عزاداری، نوحه‌سرایي، مرثیه‌خوانی، عَلم، بیرق‌های سرخ و سبز، نخل و جریده، تشنگی و... نشانه‌هایی هستند که ما را به چیزی فراتر از خودشان می‌برند. نکته قابل توجه دیگر فضایی است که مردم در آن جمع می‌شوند. از مرزهای ایران تا کربلا این فضا مملو از نشانه‌هایی است که مخاطب را هم به ۱۴۰۰ سال پیش و روز عاشورا می‌برد هم به آینده‌ای که بشر در انتظار آن است.

ث- نشانگان پیاده‌روی اربعین

پیاده‌روی اربعین اجتماع بزرگی است که حامل مؤلفه‌ها و نشانگان قابل توجهی است که می‌توان

گفت در هیچ اجتماع دیگری به این شکل و در چنین وسعتی قابل مشاهده نیست. برای پی بردن به رمز و راز نشانه‌ای و خلق معنا لازم است تا به اجتماع اربعین به مثابه نظامی گفتمانی بپردازیم. این اجتماع به عنوان نماد تجلی عشق به امام حسین (ع) و آغاز جاذبه‌ی حسینی است که با وجود گذشت قرن‌های متمادی، همچنان دل همه دوستان اهل بیت (ع) و همه‌ی آزادگان جهان را به سوی رستگاری و عزت و افتخار می‌کشد.

اجتماع اربعین به عنوان یک نظام گفتمانی حامل نشانه‌های مختلف است که برای آن‌که بتوان رمزگان آن را کشف نمود و موفق به خوانش متن منحصر به فردش شد، باید نظام‌ها و نشانه‌های حاکم بر آن شناسایی شود. این اجتماع بزرگ، نظامی از نشانه‌های متکثر یعنی صدا، تصویر، حرکت، موسیقی، رنگ، نور و معنا است و قادر به خلق فرآیندی است که اگر خوب گفته پردازی شود، بیشترین تأثیر را نسبت به گفتمان‌های دیگر در مخاطب خواهد داشت. اگر بخواهیم نشانه‌های اجتماع اربعین را تقسیم‌بندی کنیم می‌توان گفت در این اجتماع به‌طور کلی دو گونه نشانه وجود دارد؛ یکی نشانه‌ها و نمادهای ظاهری و دیگری نشانه‌ها و نمادهای مفهومی و معناگرایانه است:

۱- نمادهای ظاهری

منظور از نمادهای ظاهری همان شعائر مربوط به اربعین است به عبارتی دیگر نمادهای ظاهری برای یک قوم یا به گروه یا یک ملت یا یک امت وضع شده و دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشد: اولاً باید ظاهر و آشکار باشد ثلثاً به عنوان نماد یا نمود یک فکر یا فرهنگ قرار داده شود جنبه بیرونی و نمای ظاهری دینی همان نمادهای ظاهری هستند.

۱-۱- موب‌های پذیرایی

معنای لغوی موب در فرهنگ دهخدا به صورت گروهی از سواران یا پیاده‌گان که در التزام رکاب پادشاه باشند، آمده است. در فرهنگ لغت عربی- فارسی «المعانی» برای این واژه چند معنا در نظر گرفته شده است: ۱- دسته اسب‌سواران، سواری، گردش سواره، راه‌پیمایی ۲- قدم رو، قدم برداری، گام نظامی، موسیقی نظامی یا مارش، پیشروی، راه‌پیمایی کردن، قدم رو کردن، نظامی‌وار راه رفتن، پیشروی کردن، تاختن بر، حرکت دسته جمعی، به صورت صفوف منظم، دسته راه انداختن، در صفوف منظم پیش رفتن ۳- دسته، حرکت دسته جمعی، راه‌پیمایی، کاروان، قافله، مسیر (یاسمی، ۱۳۹۶).

اولین چیزی که در راهپیمایی عظیم اربعین بیننده و مخاطب با آن مواجه می‌شود تعداد زیاد موکب‌های پذیرایی از استان‌های مرزی ایران تا کربلاست که در نوع خود بی‌نظیر است. این موکب‌ها نماد عشق برپاکندگان آن‌ها به امام حسین (ع) و خاندان مطهرش است. موکب داران بدون خستگی و با جدیت خود را نسبت به پذیرایی از زائران امام مسئول می‌دانند و در این راه از هیچ خدمتی فروگذار نمی‌کنند. در این موکب‌ها همه به فکر خدمت به دیگری هستند و از خود و تعلقات درونی خود عبور کرده‌اند و این نوع کنش‌های همدلانه، نمادی از جامعه مهدوی است. چون بر اساس روایت‌های متعدد موجود، در زمان ظهور همه ابناء بشر باهم مهربان و همدل شده و به کمک یکدیگر می‌آیند و دشمنی و کدورتی باقی نخواهد ماند که همین همدلی و صمیمیت بین زائران اربعین و میزبانی از آنان از سوی مردم عراق به‌خوبی دیده می‌شود.

امام باقر (ع) در رابطه با وجود دوستی و همدلی در جامعه مهدوی می‌فرماید: «... حتی ادا قائم القائم جاءت المزملة و یأتی الرجل الی کیس اخیه فیأخذ حاجته لا یمنعه. به هنگام قیام قائم آل محمد» آن چه دیده می‌شود دوستی و یگانگی و تعاون و الفت است تا آنجا که هرکس آنچه نیاز دارد، از جیب دیگری بر می‌دارد، بدون هیچ دشواری و بازدارنده‌ای (کامل، ۱۳۸۵، ج ۲: ۶۳۱).

اسحاق بن عمار می‌گوید: نزد امام صادق (ع) بودم و از یاری و غمخواری هرکس با برادرانش و آنچه بر آنان واجب است سخن به میان آمد. من از این موضوع در شگفت شدم امام (ع) فرمود: این هنگامی است که قائم ما قیام کند که در آن روزگار بر همگان واجب است یکدیگر را یاری رسانند و یکدیگر را نیرو بخشند. در آخرالزمان، این مکارم اخلاقی و بزرگواری‌های انسانی است که پایه‌های حکومت جهانی اسلام را استحکام می‌سازند (حائری، ۱۳۸۵: ۲۹).

۱-۲- جمعیت زائران

خیل عظیم جمعیت و صفوف به‌هم‌پیوسته زائران اربعین در نگاه اول نماد قدرت و وحدت تشیع است و آنچه بیش از همه به چشم می‌آید موج جمعیتی است که همه رو به سوی یک مقصد واحد دارند. زائران به قصد بیعت دوباره با امام حسین (ع) و آرمان‌هایش به سمت کربلا و حرم آن امام معصوم حرکت می‌کنند. با ظهور امام دوازدهم نیز مردم به سمت مکه حرکت می‌کنند و با او بیعت می‌کنند. در این باره ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل کرده است که: وَ اللَّهُ لَكَأَنَّی أَنْظَرُ إِلَیْهِ بَیْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ یُبَایِعُ النَّاسُ؛ به خدا سوگند گوئی هم اکنون به او می‌نگرم که میان رکن و مقام از مردم بیعت

می‌گیرد (الغیبه، ج ۱: ۲۶۲).

۱-۳- شمایل، رنگ‌ها و نمادهای مذهبی

بستن چفیه، حمل پرچم‌های سرخ حسینی و سبز مهدوی، شعارنوشته‌های مذهبی، سربندهای یا حسین (ع) و ... نمادها و شمایل مذهبی هستند که در راهپیمایی عظیم اربعین دیده می‌شوند. ترکیب این نمادها نماد پیوند آمادگی مسلمانان برای رزم در راه سرخ حسینی و برقراری صلح و امنیت سبز مهدوی است.

بیشتر افراد بینا در میان رنگ‌ها و به یاری رنگ‌ها زندگی و کار می‌کنند و می‌اندیشند. شناسایی بدون رنگ ممکن نیست. رنگ‌ها، درست یا غلط، سرچشمه یا انگیزه برخی احساسات و پاسخ‌های حسی، روانی و حتی شناختی محسوب می‌شوند (ویتگنشتاین، ۱۳۷۹: ۱۶۵).

در قرآن کریم از شش رنگ سفید و سیاه (بقره/۱۸۷؛ آل‌عمران/۱۰۶؛ نحل/۵۸؛ زمر/۶۰؛ زخرف/۱۷) زرد (بقره/۶۹؛ روم/۵۱؛ زمر/۲۱؛ حدید/۲۰؛ مرسلات/۳۳)، سبز (انعام/۹۹؛ یوسف/۴۳ و ۴۶؛ یس/۸۰؛ کهف/۳۱؛ حج/۶۳؛ الرحمن/۷۶؛ انسان/۲۱)، کبود (آبی) (انعام/۶۹) و قرمز (فاطر/۲۷) یاد گردیده و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به تأثیرات روان‌شناختی و بعضاً فیزیولوژیکی آن‌ها اشاره شده است (شریفی، ۱۳۹۳: ۶۳).

در مراسم عزاداری و تعزیه امام حسین (ع) نیز رنگ‌ها و پرچم‌ها حامل معانی و مفاهیم مختلف هستند. استفاده از پرچم‌های سرخ و واژه یا تارالله بر پرچم قرمز حسینی نشانه‌ای از خونخواهی برای سید و سالار شهیدان است و جمله یا الثارات‌الحسین بر روی پرچم سبز گویای اقامه دادخواهی امام حسین (ع) است. پرچم‌های سرخ هم نماد شهادت و هم نماد آمادگی برای دفاع از حریم ولایت و امامت است. از آنجایی که دین اسلام دین صلح و آرامش است و مسلمانان منتظرند تا این صلح و آرامش در سایه حکومت منجی و موعود آخرالزمان محقق شود پرچم‌های سبز هم نماد انتظار و هم نماد صلح‌دوستی مسلمانان است. در واقع پرچم‌های سبز، حکومت مهدوی و آرامش و صلح فراگیر آن را نیز در اذهان زنده می‌کند. رنگ سیاه نیز نماد ناراحتی و مصیبت از دست دادن عزیزی است که در اجتماع اربعین پوشش اکثر زائران است و زائران حسینی به‌واسطه نشان دادن عزادار بودن خود برای امام شهیدشان از آن استفاده می‌کنند. از طرف دیگر ترکیب سه رنگ سیاه، سرخ و سبز خود حامل یک پیام ترکیبی و قابل توجه است. شیعیان با رنگ سیاه میزان ناراحتی خود از فقدان امام

سومشان را نشان می‌دهند. با رنگ سرخ آمادگی خود را برای خونخواهیش اعلام می‌کنند و با رنگ سبز اعتراض خود به وضعیت موجود و امیدواری به نتیجه‌بخش بودن قیام امام حسین (ع) با ظهور نهمین فرزند او را نشان می‌دهند.

۲- نمادهای مفهومی

اربعین در کنار ظاهر و نمادهای بیرونی دارای یک روح بزرگ و تأثیرگذار است و آکنده از نمادها و نشانگان و ابعاد مفهومی است. اربعین یک سفر متفاوت است و نشانگان مفهومی آن نیز متفاوت است. نشانگان و مؤلفه‌های مفهومی اربعین بسیار هستند و ما در خیل این نشانگان به آن‌هایی می‌پردازیم که دلالت‌های مشترک با نشانگان حکومت مهدوی دارند:

۲-۱- عبودیت محض

عبودیت، خضوع و تذلل در مقابل خداوند است و بالاترین و قوی‌ترین مرتبه عبودیت زمانی است که انسان درک کند هیچ استقلالی ندارد و کاملاً متعلق و وابسته است. درک نهایت وابستگی، رسیدن به نهایت کمال انسانی است. بر اساس آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود، یگانه راه رسیدن به چنین کمالی «عبودیت» است: *مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي*؛ جن و انس را نیافریدم جز برای آن‌که مرا عبادت کنند. اگر خدا را عبادت کنیم به هدف نهایی خلقت انسان، که مد نظر خداوند بوده است، دست یافته‌ایم. جز این هم راهی وجود ندارد؛ تعبیر «ما... الا...» در آیه این مطلب را می‌رساند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۶۰).

ویژگی اصلی جامعه مهدوی که در معارف اسلامی و حتی سایر ادیان بدان اشاره شده، ظهور ولایت الهی بر روی زمین است. ائمه معصومین (ع) دارای شئون و مقامات مختلفی هستند. یکی از شئون آن‌ها شأن بندگی و رابطه عبودیت با خدای متعال است. به عبارت دیگر، تمامی ائمه (ع) عبد محض هستند و بر همه بشر ولایت دارند. آثار و پیامدهای این ولایت عبارت‌اند از: تحقق عدالت، امنیت و حتی تحقق رفاه عمومی. بنابراین، دورنمای جامعه مهدوی در معارف اسلامی این است که در آن جامعه اولاً معنویت جزء ارکان اساسی جامعه است و اصولاً جامعه مهدوی بر محور عبودیت و بندگی خدای متعال شکل گرفته است و ثانیاً در پرتو این معنویت و عبودیت در جامعه، عدالت و رفاه محقق می‌شود (میرباقری، ۱۳۸۳).

پیاده‌روی اربعین نیز تجلی‌گاه عبودیت الهی است. انگار همه زائران از خویش گذشته‌اند و به خدا

رسیده‌اند. هیچ‌کس به خود نمی‌اندیشد و همه برای رسیدن به قرب الهی عمل می‌کنند. دیگرخواهی، وحدت، همدلی، ایثار، فداکاری، گذشت و... نشانه‌های بندگی زائران اربعین است و این‌که از همه تعلقات بریده شده‌اند و وابستگی محض خود را به خدای متعال با تمام وجود حس می‌کنند.

۲-۲- عدالت خواهی

عدل، از اصول اعتقادی شیعه به شمار می‌آید. از نگاه شیعه، هستی بر پایه عدل خلق شده و در چارچوب عدل، نظم و سامان یافته است و در بستر قسط و عدل نیز به تکامل می‌رسد. منظور از عدل، رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق به ذی‌حق است. در این معنا عدل در برابر ظلم (پایمال کردن حق دیگران) قرار گرفته و آنچه همواره باید در قوانین بشری به معنای عدالت اجتماعی رعایت شود و همگان آن را محترم بشمارند همین معناست. لذا نسبت دادن ظلم به معنای تجاوز به حریم و حق دیگری به خداوند محال است، چون او مالک علی‌الاطلاق بوده و هیچ چیز در مقایسه با او اولویت ندارد (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۸۲).

در قرآن کریم نیز آیات متعددی در رابطه با محوریت عدالت در اسلام آمده است. خدای متعال در سوره حدید آیه ۲۵ می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». همانا فرستادگانمان را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان را فرو فرستادیم تا زندگی مردم بر پایه قسط استوار گردد؛ و در سوره شوری آیه ۱۵ می‌فرماید: «وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ». «بگو: به آنچه خدا فرستاده از کتب الهی ایمان دارم و به من امر شده است که را در میان شما بر پا دارم».

در سوره اعراف و در آیه ۲۹ می‌فرماید: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ». «بگو: خدایم به قسط امر کرده است و این‌که روی خود را در پرستش و سجود به سوی خدا استوار دارید و او را مخلصانه بخوانید».

برقراری عدالت یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حکومت مهدوی نیز هست. این ادعا را می‌توان بر اساس قرآن و روایات اثبات نمود. پیامبر اسلام می‌فرماید: اگر از عمر دنیا جز یک روز بیشتر نمانده باشد. خداوند آن روز را چندان دراز گرداند تا مردی از اولاد من برانگیزد که همنام من باشد... او زمین را پر از قسط و عدل می‌کند هم چنان‌که پیش از آن پر از جور و ستم شده بود (بحارالانوار، ج ۵۱: ۸۴).

امام حسین (ع) فرمودند رسول خدا (ص) در بشارتی به من فرمود: ای حسین! تو سید پسر و پدر ساداتی و نه فرزند از تو، امامان ابرار و امین و معصومانند و نهمین آنان مهدی قائم (عج) است که دنیا را در آخرالزمان، پر از عدل و قسط می‌کند (خزازه قمی رازی، ۱۴۰۱ق: ۱۶۷). امام در حدیثی دیگر می‌فرماید: «... اذا قام قائم، العدل وسع وسعه عدل البر و الفاجر». «هنگامی که قائم قیام می‌کند، عدل گسترده می‌شود و این گستردگی عدالت، نیکوکار و فاجر را در بر می‌گیرد» (بحارالانوار، ج ۲۷: ۹۰). امام صادق (ع) می‌فرماید: «مهدی، عدالت را همچنان که سرما و گرما وارد خانه می‌شود، وارد خانه‌های مردمان می‌کند و دادگری او همه‌جا را فرا می‌گیرد. امام در رابطه با مبارزه امام با متجاوزین به بیت‌المال می‌فرماید: وقتی قائم ما قیام کند آنان را بگیرد و دستانشان را قطع کند و آن‌ها را با خواری در کوی و برزن بگرداند و بگوید این‌ها دزدانی هستند که از خدا می‌دزدند» (بحارالانوار، ج ۵۲: ۳۶۲).

اجتماع عظیمی که در اربعین گرد هم می‌آیند و به سمت مرقد مطهر امام حسین (ع) حرکت می‌کنند با این آگاهی در این مسیر قدم می‌گذارند که امام حسین (ع) برای مقابله با ظلم و برپایی عدالت قیام نمود. بنابراین آن‌ها نیز وظیفه دارند در راه اقامه عدل حرکت کنند. این اجتماع عظیم یک اعتراض بزرگ به وضعیت موجود حاکم بر دنیا و بی‌عدالتی‌های حاکم بر نظام بین‌الملل است. از یک طرف در این اجتماع شیعیان به عنوان کسانی که بیشترین بی‌عدالتی در حق آن روا شده است حضور دارند و پیاده‌روی اربعین را بهترین فرصت می‌دانند تا به بانیان اصلی بی‌عدالتی در دنیا اعتراض کنند و ضمن بیعت با امام حسین (ع) به عنوان مظهر جهاد علیه ظالمان به وضعیت ظالمانه و غیرعادلانه موجود در دنیا اعتراض می‌کنند و آمادگی خود را برای بیعت با امام زمان (عج) اعلام می‌کنند.

از طرف دیگر چون پدیده پیاده‌روی اربعین صرفاً یک پدیده شیعی و درون‌مذهبی نیست و به پدیده‌ای فرامذهبی و فرادینی تبدیل شده است. چنانچه در این حرکت شاهد حضور اهل سنت و ادیان دیگر چون مسیحیان و حتی یهودی‌ها، حتی کسانی که معتقد به دینی نیستند، هم هستیم بنابراین این پدیده به هویت مقاومت در برابر ظلم تبدیل شده است (نادری، ۱۳۹۷).

۲-۳- استحکام پیوندهای اجتماعی و ارزش‌های انسانی

فرهنگ مهدوی تبلور آموزه‌های اصیلی است که پیامبر اسلام (ص) در اختیار بشر قرار داده است.

تمام مکارم اخلاقی که پیامبر مبعوث شدن خود را برای آن‌ها عنوان نمودند؛ «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (بحارالانوار، ج ۱۶: ۲۱۰)؛ که در جامعه مهدوی نمود پیدا می‌کنند. امام صادق (ع) ده مصداق از مکارم اخلاق را بیان فرمودند: «یقین، قناعت، صبر، شکر، خویشتم‌داری، خلق نیکو، سخاوت، غیرت، شجاعت و مروّت» (کافی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۵۶)؛ که طبق روایات تمامی این مصداق در جامعه مهدوی نمودار می‌شوند.

در رابطه با حاکمیت مکارم اخلاق در جامعه مهدوی در روایتی از امیرالمؤمنین علی (ع) مفاد بیعت‌نامه مردم و حضرت مهدی (عج) این‌گونه مورد اشاره قرار گرفته است: «...با او بیعت می‌کنند که هرگز دزدی نکنند. مرتکب فحشا نشوند. مسلمانی را دشنام ندهند. خون کسی را به ناحق نریزند. به آبروی کسی لطمه نزنند. به خانه کسی هجوم نبرند. کسی را به ناحق نزنند. طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند. مال یتیم نخورند. در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند. مسجدی را خراب نکنند. مشروب نخورند. حریر و خز نپوشند. در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند. راه را بر کسی نبندند. راه را ناامن نکنند. گرد هم‌جنس‌بازی نگردند. خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند. به کم قناعت کنند. طرفدار پاکی باشند و از پلیدی‌گريزان باشند. به نیکی فرمان دهند و از زشتی‌ها بازدارند. جامعه‌های خشن ببوشند. خاک را متکای خود سازند. در راه خدا حق جهاد را ادا کنند و...» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ۴۶۹).

با نگاهی به اجتماع اربعین و شیوه تعامل و برخورد میزبان و زائرین و میهمانان باهم می‌توان به این نتیجه رسید که نظام رفتاری حاکم در اجتماع اربعین نماد مهم و قابل استنادی از جامعه مهدوی است.

آنچه در اجتماع عظیم اربعین خودنمایی می‌کند ایجاد یک نظام عاطفی و انسانی است؛ نظامی که در آن پیوندهای اجتماعی و ارزش‌های انسانی نمودی عینی و ملموس پیدا می‌کنند و امام حسین (ع) و عشق به او و آرمان‌هایش حلقه واسط همه روابط انسانی و ایمانی در این اجتماع قابل توجه است. خادمین به محض پیدا کردن زائر، تمام امکانات خود را در اختیار وی قرار می‌دهند و تمامی آنچه در توان دارند برای او انجام می‌دهند. جالب اینجاست که این حکایت رنگ و بوی رقابت به خود گرفته است و خادمین برای پیدا کردن زائر و نشان دادن خلوص خود، رقابت بسیار تنگاتنگی با یکدیگر دارند. در اینجا فقر عنصر تعیین‌کننده و مؤثر در مهمان‌نوازی نیست و خادمین با سرمایه‌ی عشق به حسین (ع) از ارتباطات خانوادگی، همسایه‌ها و نسبه خرید کردن، زمینه دسترسی به تمامی

نیازهای زائران را فراهم می‌سازند (شفا و درودیان، ۱۳۹۶: ۱۱).

در اجتماع بزرگ اربعین ویژگی‌های انسانی نمود عینی و واقعی دارد. ایشار و از خودگذشتگی، مهمان‌نوازی و خدمت به زائران و محبان اهل بیت (ع) در دورانی که خودخواهی و بی‌توجهی به دیگران در حال گسترش است ارزش دوجندانی دارد. در اجتماع اربعین نیز فرهنگ مهدوی حاکم است. در این اجتماع پیوندهای اجتماعی در سایه ارزش‌های انسانی تقویت می‌شوند و مردم به عنوان شهروندانی متمدن و متخلق به اخلاق اسلامی تلاش می‌کنند تا با رعایت هر چه بیشتر مکارم اخلاقی، قدمی به مقصود نزدیک‌تر شوند.

۲-۴- حس امنیت و مطالبه صلح فراگیر

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند: «اگر قائم ما قیام کند آسمان باران خود را فرو می‌ریزد و زمین نباتات خود را بیرون می‌دهد و درندگان و چهارپایان باهم ساخته، از یکدیگر رم نمی‌کنند تا جایی که زنی که می‌خواهد راه عراق تا شام را بیماید همه‌جا قدم بر روی سبزه و گیاهان می‌گذارد و زینت‌های خود را بر سر دارد و کسی طمع به آن نمی‌کند، نه درنده‌ای به او حمله‌ور می‌شود و نه او از درندگان وحشت دارد» (بحارالانوار، ج ۵۲: ۳۱۶).

همچنین امام صادق (ع) در تفسیر آیه ۵۵ شریفه‌ی سوره نور «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند وعده داده که به یقین در روی زمین ایشان را خلیفه کند... و وحشتشان را به امنیت بدل سازد...» می‌فرماید: «این آیه درباره‌ی قائم (عج) و یارانش نازل شده است» (بحارالانوار، ج ۵۱: ۵۵). با توجه به اینکه مفهوم امنیت یک مفهوم کلی است و شامل ابعادی چون اقتصادی، اجتماعی و... می‌شود و همه‌ی این‌ها به هم وابسته و از هم متأثر هستند، در زمان تشکیل حکومت مهدوی توسط امام زمان (عج) در تمامی سطوح برقرار می‌شود. در آن زمان در سایه قوانین، آموزش‌ها و هدایت‌هایی که توسط امام زمان (عج) و کارگزاران آن حضرت انجام می‌شود؛ انسان‌ها از نیاز و توجه به مال و اموال و هر آنچه در دست دیگری است بی‌نیاز می‌شوند و طمعی بدان ندارند و با توجه به رشد و کمال اخلاقیات از تعرض به هم در امان می‌باشند.

امام مهدی (عج) چنان امنیت اجتماعی به وجود می‌آورد که بشر تاکنون مانند آن را ندیده است. او نگرانی و ترس را نابود می‌کند و کسانی را که در جامعه ایجاد نگرانی و ترس می‌کنند، کنار می‌زند. او قانون و عدل را اجرا می‌کند و احترام به حقوق و ارزش انسان‌ها را در روابط اجتماعی استوار

می‌سازد. در آن دوران به دلیل وجود امنیت، هیچ‌کس از دیگری نگرانی و ترس ندارد؛ انسان‌ها به یکدیگر نزدیک می‌شوند؛ دوستی و مهربانی جای دشمنی و کینه‌توزی را می‌گیرد و رقابت انسان‌ها سالم و انسانی می‌گردد و رشد اقتصادی در همه‌ی بخش‌های جامعه آشکار می‌گردد (پورآقایی، ۱۳۸۹: ۱۴).

به نظر می‌رسد واژه‌ی تهدید و یا خطر برای زائران حسین (ع) موضوعی تعریف نشده است چون حضرت بدون ترس و شک برای این ملت قدم‌های خود را راهی کرد. می‌توان این مفهوم را این‌گونه خلاصه کرد که به فاصله‌ی اینکه امام حسین (ع) برای شیعیان و آزادگان جهان از جان خود به سادگی گذشت، حس امنیت عمیقی در ناامنی‌های ممکنه‌ی منطقه به زائران دست داده و می‌دهد. لذا همین حس ناامنی و درک آن به صورت امنیت یا زیر سایه‌ی امام و کاروانش بودن، بخشی از ادراک معنوی راهپیمایان اربعین است (شفا و درودیان، ۱۳۹۶: ۹).

با آنکه شیعیان و زائران در کشور ناامن عراق که دچار ضعف در زیرساخت‌های امنیتی است مسیر طولانی را طی می‌کنند تا به مقصد برسند اما انگار وجود امام حسین (ع) هاله‌ای از امنیت را گرد زائران ایجاد کرده است و آن‌ها در اوج ناامنی احساس امنیت می‌کنند. نکته قابل توجه دیگر حرکت مسالمت‌آمیز و بدون هیچ‌گونه سلاح جنگی است که خیل عظیم زائران حسینی انجام می‌دهند و برای تمام ملت‌های جهان پیام صلح و دوستی می‌فرستند. این راهپیمایی بدون خشونت که آکنده از جلوه‌های زیبای انسان‌دوستی است نشان می‌دهد که شیعیان در عین قدرت خواهان صلح و آرامش در تمام دنیا هستند.

یک جمعیت ۲۰ میلیون نفره که از شهرها و کشورهای مختلف آمده‌اند به‌طور مسالمت‌آمیز در چند روز اربعین به نوعی در کنار هم هم‌زیستی حسینی را تجربه می‌کنند. در واقع این نمونه تجلی همان آرمان‌شهر و اتوپیایی است که سال‌هاست فلاسفه و حکومت‌ها به دنبال تحقق آن هستند. رویداد باشکوهی که نمونه آن در هیچ کجای این کره خاکی اتفاق نمی‌افتد. همایش و تجمع شیعیان و مسلمانانی که چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ بازخوردها و آثار اجتماعی و بین‌المللی آن به برکت خون سیدالشهدا (ع) در عرصه جهانی بی‌نظیر است (صباغیان، ۱۳۹۳).

۲-۵- ساماندهی اقتصادی

در اجتماع بزرگ اربعین، فقیر و غنی در کنار هم قرار می‌گیرند و همه برابرند. در این اجتماع هیچ

نیازمندی دیده نمی‌شود. موکب‌های پذیرایی و مردم عراق با تمام امکانات خود در خدمت زائرین قرار دارند. هیچ‌کس در غم نان و شکم خویش نیست. مهمان‌نوازی رقابتی در اجتماع بزرگ باعث می‌شود تا هیچ‌کس گرسنه و تشنه مسیر را طی ننماید. مردم در این مراسم با احترام، اموال خودشان را تقدیم شرکت‌کنندگان در این مراسم می‌کنند و بسیاری از خصلت‌های دنیایی و مادی خودخواهانه در برابر خصلت‌های ملکوتی رنگ می‌بازد.

در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) نیز فقر، بیکاری، نابرابری و شکاف‌های اقتصادی وجود ندارد و اقتصاد و معیشت مردم مدیریت می‌شود. طبق احادیث و روایات معصومین مردم در حکومت مهدوی به بی‌نیازی کامل می‌رسند. پیامبر اکرم (ص) در این رابطه می‌فرماید: «وقتی در امت من مهدی (عج) قیام کند. در زمان او مردم به نعمت‌هایی دست می‌یابند که در هیچ زمانی به آن‌ها دست نیافته‌اند. آسمان باران خود را بر آن‌ها فرو می‌فرستد و زمین برکاتش را آشکار می‌سازد» (بحارالانوار، ج ۵۲: ۳۳۶).

امام صادق (ع) نیز در این رابطه می‌فرماید: «...زمین خزانه‌های خود را آشکار می‌گرداند، به نوعی که خلائق همه‌ی آن‌ها را در روی زمین می‌بینند. مرد در آن وقت کسی را می‌طلبد برای اینکه از مالش به او عطا کند تا اینکه صله‌ی رحم به جا بیاورد یا اینکه از وجه زکات چیزی را به او بدهد. چنین کسی که این‌ها را قبول نماید، یافت نمی‌شود و خلائق به سبب آنچه خدا از فضل خود به ایشان روزی کرده، مستغنی و بی‌نیاز هستند» (بحارالانوار، ج ۵۱: ۷۸). در حکومت مهدوی همه در استفاده از بیت‌المال برابر هستند. پیامبر (ص) می‌فرماید: «... مهدی، اموال را برابر تقسیم می‌کند و خداوند، بی‌نیازی و غنا را در دل‌های این امت پدید می‌آورد» (بحارالانوار، ج ۵۱: ۸۴). این مهم در اجتماع اربعین به شکل قابل توجهی دیده می‌شود.

۲-۶- امت محوری و اتحاد اسلامی

با نگاهی به آیات و سخنان خداوند در قرآن کریم، به این مهم می‌رسیم که برجسته‌ترین کلمات الهی در باب وحدت است که ما را به اتحاد در ظل قرآن، اهداف قرآنی و عدم تفرقه فرامی‌خواند. یکی از مهم‌ترین امور در شکل‌گیری وحدت، دستیابی به نقطه‌ی اشتراکی است که همه‌ی مذاهب بر آن اتفاق داشته باشند. نقطه‌ی مشترک میان تمام مذاهب اسلامی قرآن است. شیخ شلتوت در این باره می‌گوید: اسلام مردم را به وحدت فراخوانده و محوری را که مسلمانان باید به آن تمسک جویند و

گرداگرد آن جمع آیند، اعتصام به حبل‌الله قرار داده است. این مطلب در بسیاری از آیات قرآن حکیم آمده و رساترین آن در سوره‌ی آل‌عمران است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» خداوند از مطلق تفرقه نهی کرده است. این شامل تفرقه به سبب تعصب نیز می‌شود. حدیثی صحیح می‌گوید: «لَا عَصَبِيَّةَ فِي الْإِسْلَام» به این معنی که «در دین اسلام، تعصب وجود ندارد» (احمدی، ۱۳۸۹: ۴۸-۴۷).

با توجه به این‌که اهل‌بیت پیامبر نیز یکی از مصادیق نوری هستند که در قرآن مطرح شده است لذا تقرب به آنان می‌تواند به وحدت امت اسلامی منجر شود. در روایات متعددی از ائمه اطهار و همچنین در احادیث قدسی از پیامبر اکرم و ائمه اطهار با تعبیر نور یاد شده است. اگرچه در آیات قرآن صراحتاً نامی از ائمه با لفظ نور نیامده اما تأویل بعضی از آیات مربوط به آن بزرگواران است. امام علی (ع) در ذکر پیامبر (ص) فرمود: «حَتَّى أَفَضْتُ كَرَامَةَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى إِلَيَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَهُوَ إِمَامٌ مِنْ أَنْفِي، وَبَصِيرَةٌ مِنْ أَهْتَدِي، سِرَاجٌ لَمَعَ ضَوْؤُهُ، وَشِهَابٌ سَطَعَ نُورُهُ وَزَنْدٌ بَرَقَ لَمْعُهُ»؛ «تا این‌که کرامت خدای متعال به محمد رسید. او پیشوای کسی است که از خدا پروا کند و مایه بصیرت و بینایی کسی است که راه راست را جوید، چراغی است که پرتوش می‌درخشد و شهابی است که نورش می‌تابد و آتش- زنه‌ای است که برق از آن می‌جهد» (یافرهادیان و جزایری، ۱۳۹۲).

پیاده‌روی اربعین و خیل جمعیتی که همه فارغ از همه غرضیات رو به یک مقصد دارند و همه گرد محبت و عشق به امام حسین (ع) جمع می‌شوند یکی از مهم‌ترین جلوه‌های وحدت امت اسلامی است؛ وحدتی که می‌تواند به خلق بزرگ‌ترین تمدن جهانی منجر شود. چون هر تمدنی زمانی به صحنه تاریخ آمده که دست‌ها و دل‌های یک ملت در کنار هم قرار گرفته و همه به هدفی واحد اشاره می‌کردند و به سوی آن هدف جلو می‌رفتند. مسلماً همه‌ی تمدن‌ها وقتی ظهور می‌کنند که دل‌ها و دست‌ها همه یکی می‌شود، آن‌هم به سوی یک هدف متعالی و گرنه آن‌چنان پیوندی که منجر به یک تمدن شود به میان نمی‌آید (طاهرزاده، ۱۳۹۵: ۶۳).

وحدت حاکم بر اجتماع عظیم اربعین ذهن مخاطب را متوجه یکپارچگی و وحدتی می‌کند که ذیل حکومت مهدوی شکل می‌گیرد. امام صادق (ع) می‌فرماید: هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، هیچ زمینی نماند مگر اینکه در آنجا گلبانگ «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله» بلند گردد (بحارالانوار، ج ۵۲: ۳۴۰).

از برنامه‌های امام مهدی (عج) حکومت فراگیر جهانی است که در آن همه‌ی جوامع از یک مرکز پیروی می‌کنند و با یک سیاست و برنامه اداره می‌شوند. در آن دوران جامعه‌ی بزرگ بشری و

خانواده‌ی انسانی تشکیل می‌شود و دوستی و محبت سراسر آبادی‌ها را فرامی‌گیرد و آرزوی همه‌ی پیامبران، امامان و مصلحان و انسان دوستان تمام تاریخ برآورده می‌شود (پور آقایی، ۱۳۸۹: ۱۲).

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به دنبال نشانه‌شناسی پیاده‌روی اربعین و شباهت‌های آن با حکومت مهدوی بود و در این راستا به این نتیجه قابل‌تأمل رسید که اجتماع اربعین و حکومت مهدوی از لحاظ نمادهای ظاهری و مفهومی واجد شباهت‌های قابل‌توجهی هستند. رمزگشایی از نشانگان حاکم بر اجتماع بزرگ اربعین ما را به این مهم می‌رساند که این نشانه‌ها حامل دلالت‌های یکسانی میان حکومت مهدوی و اجتماع اربعین است؛ به عنوان مثال نشانه‌ها و نمادهای ظاهری اجتماع اربعین از قبیل موکب‌های پذیرایی، جمعیت زائران، شمایل، رنگ‌ها و نمادهای مذهبی نماد مستقیم یکدلی، حضور همه‌جانبه ملت‌های مختلف جهان ذیل پرچم سبز مهدوی و صلح و امنیت حاکم بر جامعه مهدوی است و ذهن مخاطب با مشاهده این نمادها به جامعه مهدوی رهنمون می‌شود؛ به عبارت دیگر اجتماع اربعین و حکومت مهدوی از نظر نشانگان ظاهری بسیار به هم شبیه هستند و ذیل نمادهای ظاهری اجتماع اربعین معانی عمیقی از جامعه مهدوی نهفته است؛ تا جایی که اجتماع اربعین را می‌توان نماد ظاهری کوچکی از حکومت مهدوی دانست. از نظر نمادهای مفهومی نیز اجتماع اربعین شباهت‌های قابل‌توجهی با حکومت و جامعه مهدوی دارد. در واقع اجتماع اربعین حامل معانی عمیقی است که طبق آیات قرآن و روایات معصومین در روح جامعه مهدوی متبلور است. به عنوان مثال در جامعه مهدوی معانی و مفاهیم عمیقی از قبیل توحید، عبودیت، عدالت، برابری، اتحاد، رفاه و امنیت اقتصادی حاکم است و اجتماع اربعین نیز تجلی‌گاه کوچکی از تمام این ارزش‌ها و مفاهیمی است که در وسعت و عظمت بیشتری در جامعه مهدوی ظهور می‌کنند؛ به عبارت دیگر عبور زائران اربعین از خود و توجه محض به خدا کاملاً در راستای عبودیت محض حاکم بر جامعه مهدوی است. حرکت به سمت حرم امام حسین (ع) به عنوان نماد مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی نماد عدالت محوری حاکم بر جامعه مهدوی است. ایجاد یک نظام عاطفی و انسانی در سایه متبلور کردن ارزش‌های انسانی نماد استحکام و انسجام پیوندهای انسانی در جامعه مهدوی است. مدیریت نیازمندی‌های اقتصادی زائران در قبال همدیگر و امنیت و رفاه اقتصادی حاکم در اجتماع اربعین نماد ساماندهی اقتصادی حاکم بر جامعه مهدوی است، حرکت مقتدرانه، بدون سلاح و ادوات جنگی و با آرامش زائران در سرزمین

نامن عراق نماد امنیت و صلح فراگیر جامعه مهدوی است و حاکم بودن روح برادری و برابری بر اجتماع زائران اربعین نشان از اتحاد و اخوت اسلامی نهادینه‌شده در جامعه مهدوی است. یکی دیگر از یافته‌های تحقیق حاضر این است که باآنکه نشانه طبق نشانه‌شناسی پیرس شامل نشانه‌های تصویری، طبیعی و وضعی است اما بر طبق یافته‌های تحقیق حاضر، می‌توان گفت نشانه‌های موجود در اجتماع اربعین، عمدتاً نشانه‌های وضعی، قراردادی و معناگرایانه هستند که نظام گفتمانی شیعه به آن‌ها معنا می‌بخشد. نکته قابل توجه دیگر در این پژوهش این است که اگر طبق نظریه پیرس، نشانه را بر اساس ارتباط آن با مدلول به شمایل، نمایه و نماد تقسیم‌بندی کنیم می‌توان گفت در اجتماع اربعین ما بیشتر شاهد حضور نمادها هستیم چون در شمایل بین نشانه و مدلولش شباهت وجود دارد و در این نوع نشانه نیازی به تفسیرکننده نیست. نمایه نیز نشانه‌ای است که به مصداق وابسته است؛ به عبارت دیگر اگر مصداق یا مدلول نداشته باشد، نمایه، نشانه محسوب نمی‌شود به بیان دیگر رابطه دال و مدلول ضروری است و باید بین آن‌ها یک رابطه علی و معلولی پیدا کنیم. در این‌گونه دلالت، نیز تفسیرکننده لازم نیست و رابطه دال و مدلول قراردادی نیست. اما نماد نشانه‌ای است که به تفسیرکننده نیاز دارد. در نماد، رابطه دال و مدلول قراردادی و اختیاری است. نمادهای اربعین هم که ذهن بیننده را به چیزی فراتر از خودشان می‌برند و در قید مدلول‌های خودنیستند باز بر اساس قرارداد و اختیار و لزوماً در نظام معنایی تشیع معنا پیدا می‌کنند و با گشودن رمزهای آن‌ها باز حکومت مهدوی و شرایط حاکم بر آن در ذهن بیننده احیا می‌شود. در واقع در یک نتیجه کلی می‌توان گفت اجتماع اربعین یک نماد کوچک شده از جامعه بزرگی است که تحت حکومت امام دوازدهم شیعیان در آینده ایجاد خواهد شد و تفسیر و تأویل آن را می‌توان از قرآن، آیات و روایات معصومین استخراج نمود.

منابع

الف- منابع فارسی

- قرآن کریم.
- آلتون، ویلیام. پی (۱۳۸۱)، *فلسفه زبان*، احمد ایرانمنش و احمدرضا جلیلی، تهران: سهرودی، چاپ اول.

- احمدی، علی (۱۳۸۹)، *طلایه‌داران تقریب ۲ (شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت)*، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- پور آقایی، محسن و محمد فهمیده قاسم‌زاده و مهدی عمرانی (۱۳۸۹) «راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه‌ساز، بر اساس مدل SWOT»، *فصلنامه مشرق موعود*، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۳۴-۵.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۹) «نشانه‌شناسی؛ نظریه و روش»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال پنجم، شماره ۴، صص ۳۹-۷.
- حائری، محمدعلی (۱۳۸۵)، ویژگی‌های حکومت و کارگزاران حضرت مهدی (عج) در قرآن و حدیث، *مجله پاسدار اسلام*، شماره ۲۸۹، صص ۳۱-۲۶.
- خزاز قمی رازی، علی (۱۴۰۱ ق)، *کفایه الاثر*، نشر بیدار.
- رضوی‌فر، املی و حسین غفاری (۱۳۹۰)، «نشانه‌شناسی پیرس در پرتو فلسفه، معرفت‌شناسی و نگرش وی بر پراگماتیسم»، *نشریه فلسفه*، سال ۳۹، شماره ۳۷، صص ۵-۲.
- رضوی زاده، ندا (۱۳۹۶)، «ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده‌ای ایرانی در عراق (مورد مطالعه: پیاده‌روی اربعین آذر ۱۳۹۳-عراق)»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۶، شماره ۴، صص ۶۳۰-۵۹۵.
- شریفی، علی، (۱۳۹۳)، رنگ از منظر قرآن، حدیث و روان‌شناسی، *دوفصلنامه قرآن و علم*، سال هشتم، شماره ۱۴، ۱۶۸-۱۴۸.
- شفیعا، سعید و محمدجواد درودیان (۱۳۹۶)، اولین همایش بین‌المللی گردشگری، جغرافیا و محیط‌زیست.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۸۰) *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر (عج)*، قم: دفتر آیت‌الله صافی.

- صباغیان، حجت، (۱۳۹۳)، «پیاده‌روی اربعین میعادگاه بزرگ‌ترین اجتماع انسانی»، سمعک، سال پنجم، شماره ۷۹، ص ۷.
- طاهرزاده، اصغر (۱۳۹۵)، *اربعین حسینی؛ امکان حضور در تاریخی دیگر*، انتشارات لب‌المیزان.
- فریشلر، کورت (۱۳۵۵)، *امام حسین و ایران*، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، انتشارات جاویدان، چاپ دوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲.
- کامل، سلیمان (۱۳۸۶)، *روزگار رهایی*، ترجمه علی‌اکبر مهدی پور، تهران: آفاق، ج ۲.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحارالانوار*، ج ۱۶.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحارالانوار*، ج ۵۱.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحارالانوار*، ج ۵۲.
- محمدی، جلال (۲۵۳۶)، *حسین رهبر نهضت کربلا*، انتشارات ساحل.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، *عدل الهی*، (مجموعه آثار ج ۱) تهران: صدرا.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷)، *آیین پرواز*، تلخیص: جواد محدثی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- میرباقری، (۱۳۸۳) دکترین جامعه مهدوی، *مجله پرسمان*، شماره ۲۶، صص ۹-۷.
- ویتگنشتاین، لودویگ (۱۳۷۹)، *درباره رنگ‌ها*، ترجمه لیلی گلستان، تهران: مرکز، چاپ دوم.

- ورزلی، محسن امین (۱۳۹۴)، *پیاده‌روی اربعین به مثابه ارتباطات آیین شیعی، به راهنمایی عبدالله گویان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات گرایش مطالعات سیاست‌گذاری، گرایش سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه امام صادق (ع).

ب- منابع انگلیسی

- Cheristia, fotini, Dekeyser, Eizabeth, Knox, Dean, (2016), *To Karbala: Serveying Religious Shia from Iran and Iraq*, Political Science Department at the Massachusetts Institute of Technology.
- Everaert, Nicole, (2011), *Peirce's Semiotics*, Availabel in: <http://www.signosemio.com/peirce/semiotics.asp/> 2012/12/27.
- Pierce. C. S. (1998), *The essential pierce*, Volume I ed. N. Houser & Chr. Cloesel (Bloomington) Indian University Press.
- Pierce. C. S. (1868), "Questions concerning certain faculties claimed for man, *Journal of speculative philosophy*, 2, 103-114.
- Silerman, Kaja. (1983), *The subject of semiotics*, New York, Oxford University Press.
- Savan, D., (1988). *An Introduction to C.S. Peirce's Full System of Semeiotic*. Toronto: Toronto Semiotic Circle.

ج- منابع الکترونیکی

- جواندل، نرجس (۱۳۸۸)، نشانه‌شناسی پیرس، فصلنامه نامه مفید، شماره ۲۶، تاریخ آخرین به روز رسانی ۱۳۸۰/۴/۳۰:

<https://hawzah.net>

- نادری، احمد (۱۳۹۷)، شباهت‌های راهپیمایی اربعین با عصر ظهور، آخرین تاریخ به روز رسانی ۱۳۹۷/۸/۷:

<https://www.mashreghnews.ir/news/906809/>

– یافرهادیان، مریم و حمید جزایری، (۱۳۹۲)، «مصادیق نور در آیات و روایات»، آخرین تاریخ به روز رسانی ۱۳۹۲/۸/۱۶:

<http://pooyesh.whc.ir/article/8721>

– یاسمی، مینا، (۱۳۹۶)، موبک چیست، آخرین تاریخ به روز رسانی ۱۳۹۵/۴/۲۸:

<http://memarima.ir/post>